



# ندای آفرینش؛ چرا مبارزه؟

## دفاعیات ناصر صادق در بیدادگاه سلطنت (۴)

مجاهدین انقلاب مشروطیت، نهضت جنگل، نهضت ملی و رادیکالیزم دهه پنجاه به بعد را نفی کرده تا بتوانند در معادلات راهبردی نیروهای حاضر در صحنه، نقش منفی بازی کنند.

گفتنی است جوهره خط مشی شخصیت‌های مکتبی و افتخارات ملی همچون احمد رضایی، ناصر صادق و... ایثار و از خودگذشتگی برای پیشبرد اهداف ملی و دینی بوده است که در هر شرایطی به کار می‌آید و شیوه‌های متناسب با خود را به وجود می‌آورد. نه آنگونه که برخی ارج نهادن به چنین کسانی را تبلیغ مبارزه مسلحانه می‌دانند. آیا تجلیل از حرکت سیدالشهدا هم به این معناست که ما در یک جامعه یزیدی به سر می‌بریم و باید دست به قیام بزنیم؟ ما معتقدیم که این گونه شبیه سازی‌ها رویه صحیحی نیست، به ویژه آن که در شرایط کنونی این دست‌های مرموز هستند که سعی می‌کنند با تبلیغ خط مشی براندازی نیروهای صادق را به دامی پرهزینه بیندازند.

### ۱۵ خرداد ۴۲ و ضرورت شناخت علمی از شرایط

.... ادامه حرکت خود به خودی توده‌ها در مبارزه علیه رژیم دست‌نشانده ایران که با عکس‌العمل قشر متوسط شهری که از آگاهی نسبی برخوردار بود، در قبال دسایس و توطئه‌های ضد خلقی رژیم مزدور و سلطه بی‌چون و چرای امپریالیسم آمریکا پیوند خورده بود، مجموعاً به شورش ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ انجامید.... شورش که (به دنبال دستگیری آیت‌الله خمینی پیش آمد و) از رهبری آگاهانه بی‌بهره بود. علی‌رغم کشته شدن هزاران جوان پرشور وطن به دست دژخیمان رژیم، نتوانست به هدف‌های خود که مهم‌تر از همه زمینه‌سازی برای متزلزل نمودن رژیم دیکتاتوری سلطنتی بود، موفق شود و شورش به دست ارتش استعماری سرکوب شد. ده‌ها نفر در شکنجه‌گاه‌ها یا در میدان‌های تیر جان دادند و صدها نفر زیر رگبار مسلسل درو شدند تا حکومت بار دیگر نتوانست سلطه شیطانی خود را بر مردم تحمیل کند. نقطه‌عطفی که شورش ۱۵ خرداد در نحوه تفکر و ارزیابی نیروهای ضد امپریالیستی نسبت به خود و دشمن به وجود آورد، چشم‌انداز جدیدی در مقابل مبارزین قرار داد. جمع‌بندی مبارزات گذشته از صدر مشروطیت تا نهضت جنگل و نهضت‌های ضد استعماری محلی؛ (آذربایجان، شمال، جنوب) و آن‌گاه حوادث مربوط به نهضت ملی کردن نفت و مبارزات نهضت مقاومت ملی (۱) مربوط به سال‌های ۲۸ تا ۴۱ و قیام ۱۵ خرداد، همگی نشان می‌داد که بدون شناخت علمی از شرایط و نیروهای خود و دشمن و خلاصه بدون یک شناخت علمی نمی‌توان به خط‌مشی صحیحی از مبارزه ضد امپریالیستی در

مهندس ناصر صادق در سال ۱۳۲۳ در تهران متولد و در سال ۱۳۴۶ از دانشکده فنی دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل گردید. پدرش مرحوم حاج احمد صادق از یاران وفادار مرحوم طالقانی، از نیکان و خدمت‌گزاران مسجد هدایت بود.

ناصر تشنگی حق طلبی خود را با زمزمه‌های محبت‌آمیز "پرتوی از قرآن" مرحوم طالقانی در مسجد هدایت سیراب کرد و به افتخار شاگردی طالقانی نایل گشت. او پس از آگاه شدن از تشکیل سازمان مجاهدین خلق در سال ۱۳۴۴ به بنیان‌گذاران این سازمان پیوست. درد دین و مردم او را به دغدغه و موجی تبدیل کرد که لحظه‌ای آرام نگرفت. پس از مجاهدت‌های زیاد به عضویت شورای مرکزی یازده نفره مجاهدین نایل و در اول شهریور ۱۳۵۰ توسط دژخیمان ساواک شاه دستگیر و شکنجه‌های طاقت‌فرسا را تحمل کرد. وی پس از دفاعیات جانانه در بیدادگاه‌های سلطنت به اعدام محکوم شد. در سحرگاه ۳۰ فروردین ۱۳۵۱ همراه با سه یار مجاهد خود علی باکری، محمد بازرگانی و علی میهن دوست در سن ۲۸ سالگی به شهادت رسید و با شهادت خود درخت آرمان‌های خود را آبیاری و کارنامه پرافتخار خود را امضا کرد.

دفاعیات او در بیدادگاه سلطنت از سه بخش تشکیل می‌شود، بخش اول در رد صلاحیت دادگاه نظامی، بخش دوم تذکر چند نکته و سرریل‌های مفید و بخش سوم که شامل متن اصلی دفاعیات سیاسی-ایدئولوژیک او می‌باشد. بخش پایانی این دادنامه در این شماره تقدیم خوانندگان می‌شود.

انگیزه سیاسی - راهبردی چشم‌انداز ایران از درج دفاعیات این مجاهد شهید به شرح زیر عنوان می‌گردد:

الف- تحلیل کارشناسی دقیق از نظام شاهنشاهی.

ب- تحلیل کارشناسی جامع از نحوه دخالت تدریجی نیروهای مسلح در پرونده‌های ماهیتاً سیاسی و زیر پا گذاشتن قانون اساسی مشروطیت که موجب سرکوب مردم و سپس سقوط شاه گردید.

ج- نشان دادن توانایی نسل جوان که در آن سال‌ها، در زندان‌های مخوف شاه بدون دسترسی به کتابخانه و اینترنت و امکانات دیگر چنین دفاعیات عمیق و مستدلی را ارائه کردند.

د- جوان ترفندهایی که پس از انقلاب در جهت بی‌ریشه کردن بوته‌های انقلاب انجام شد تا این گونه تلقی شود که انقلاب مانده‌ای بود که غروب روز ۲۱ بهمن ۱۳۵۷ از آسمان به زمین آمد. دست اندرکاران این ترفند ها با این روش خود می‌خواستند تلاش‌های

ایران رسید. بدین جهت لازم بود:

الف- از هدف ها و خطمشی و نیروهای در خدمت او ارزیابی صحیحی به عمل آید.

ب- به شناخت صحیحی از خود و نیروهای خود، یعنی نیروهای ملی و نیروهای ضدامپریالیستی جهانی رسید. تجزیه و تحلیل این عناصر در میهن ما بود که می توانست راه گشای بن بست مبارزه در ایران باشد و در مسیر چنین چشم اندازی بود که حقایق جامعی به طور عریان خود را به نمایش می گذاشت.

نتایج که از این تجزیه و تحلیل به دست می آید، به طور خلاصه عبارتند از:

الف- امپریالیسم خوی جهان خواری دارد.

ب- امپریالیسم ضربه پذیر است.

ج- هیچ رابطه انسانی و جوانمردانه ای بین امپریالیسم و خلق ها وجود

ندارد و آنچه هست یا اسارت است یا نبرد (۲)

الف- امپریالیسم خوی جهان خواری دارد: سرمایه داری قرن نوزدهم که در مقابل تضاد داخلی رو به رشد خود، یعنی تضاد بین کار و سرمایه یا بین مالکیت خصوصی ابزار تولید و شکل جمعی تولید دچار بحران های اجتماعی خطرناکی ناشی از مقاومت طبقه کارگر در مقابل استثمار سرمایه داران شده بود و همچنین تورم کالاهایی که تکامل ابزار تولید و پیشرفت سریع تکنیک تولید آن را به طور غول آسایی بالا برده بود و از طرفی رسیدن به قدرت خرید لا زم برای جذب این تولید است، در همان جوامع به علت استثمار طبقات وسیع کارگر غیرممکن بود. در اواخر همین قرن به سمت کشورهایی که در مرحله پایین تری از تکامل شکل تولید بودند، توجه کردند. این کشورها که بیشتر کشورهای آسیایی، آمریکای لاتین و بعد آفریقا بودند، گرچه سال ها و حتی قرن ها پیش مطمح نظرات استعماری دول اروپایی بودند. اما این بار سرمایه داری بحران زده قرن ۱۹ بود که می خواست به بهای استثمار توده مردم آسیا و دیگر ممالک عقب مانده، از به تعارض رسیدن تضادهای درونی خود جلوگیری کند. گفتیم که سرمایه ذاتا فزونی طلب است و امپریالیسم نه به معنای ایدئولوژی بلکه به معنای وسعت طلبی سرمایه داری در مرحله ای از رشد خود چون هشت پایی برای ادامه حیات مختصر خود، شاخک های مکنده اش را بر گوشت و خون هر ملت بی دفاعی فرو خواهد کرد. این قانون چهارچوبی بدست می دهد که سیاست توسعه طلبانه سرمایه داری را در چهارگوشه جهان بررسی کنیم:

#### اهداف سرمایه داری فزون طلب

از خاور دور، ویتنام، لاتوس تا هند و پاکستان و ایران و خلیج فارس تا سواحل نیل و از آن طرف نیمه مرکزی و جنوبی قاره آمریکا، همه مناطقی بودند که ۸۰ سال اخیر مورد تهاجم ضدانسانی سرمایه داری جهانی قرار گرفته اند و همین تهاجم است که تاریخ زندگی ملت های زیر سلطه را به خون کشیده است. سرمایه داری ایدئولوژی ندارد. تنها محرکی که چنین سیستمی را به حرکت وامی دارد، سود است و در راه همین هدف است که هیچ حد و مرزی نمی شناسد. توده های وسیع مردم رنج دیده جهان را به یوغ بردگی و بندگی می کشد و منابع و ثروت های آنها را به یغما می برد و نیروهای کار آنها را به خدمت خود و هدف های سود طلبانه اش درمی آورد. حتی فرهنگ، نوامیس ملی و مقدسات اجتماعی را مورد تهاجم قرار می دهد. چرا که در یک مرحله از دوران تسلط، ادامه تسلط بدون سلطه

فرهنگی امکان پذیر نیست. بدین جهت است که فرهنگ فاسد سرمایه داری به نام تمدن غربی به مردم حقه می شود و در مجموع برای تحقق هدف ها یش، رژیم های دست نشانده خائنی را بر مردم مسلط می کند که با ترور و وحشت و به راه انداختن دیکتاتوری ژنرال ها یا پادشاهان، منافع کثیف سود طلبانه اش را حفظ می کنند. "نگو دین دیم ها"، "وان تیوها"، "پاتاگوس ها" و "سوهارتوها" و "محمد رضا شاه" از همین نمونه دست نشانده گانی هستند که به پاسداری منافع اربابان، به هر قیمتی که شده باشد، گماشته شده اند.

فرآیند بازگشت درآمد نفت به کشورهای مصرف کننده نفت

وقتی که فقط به منافعی که امپریالیسم از نفت ایران دارد، نگاه کنیم

### اتکاء به نفت به عنوان تنها پایه تولیدی سیستم

#### اقتصادی ایران که خود مطلوب و مطابق طرح

#### جناح های مختلف سرمایه داری است، چه از

#### جهت اجبار ما به ازدیاد روز افزون تولید نفت و

#### چه از جهت خالی ماندن بازارهای داخلی و

#### پرکردن آنها از صنایع خارجی، زمینه اصلی

#### وابستگی اقتصادی و سیاسی ما را به

#### سرمایه داری جهانی، تشکیل می دهد

اهمیت حفظ این موقعیت بیشتر روشن می شود.

کل تولید نفت در سال ۱۹۷۱ که بالغ بر ۲۲۷ میلیون تن یعنی به طور متوسط ۵۱۰/۵۳۹/۴ بشکه در روز بوده است. کل درآمد نفت ما در این سال علی رغم همه تبلیغات دهن پر کنی که شده است، ۱۶ میلیارد تومان بوده است. با یک حساب سرانگشتی، از هر تن نفت در حدود ۱۰ دلار یعنی هر بشکه حدود ۳/۱ دلار به دست ما رسیده است. در حالی که:

۱- هر بشکه نفت در بازارهای اروپا بیش از ۱۴ دلار خریدار دارد، اگر حد بالای مخارج حمل و نقل و استخراج و مخارج متفرقه را ۴ دلار بگیریم در هر روز نزدیک به ۵ میلیون دلار یعنی در سال بالغ بر ۱۸۲۵۰ میلیون دلار معادل ۱۴۴ میلیارد تومان سود خالص نصیب کارتل های نفتی و دولت های اروپایی می شود. فی المثل مطابق آمار رسمی (اطلاعات ۱۹ بهمن ۱۳۵۰) آلمان فدرال هر سال به عنوان مالیات و عوارض نفت، حدود ۱۲ میلیارد مارک یعنی بالغ بر ۸/۲۸ میلیارد تومان دریافت می کند. با توجه به این که درآمد نفت صرفاً خرید از کشورهای اروپایی و آمریکایی می شود، روشن است که چگونه چنین مالیات هایی بر گرده مردم فقیر و زحمتکش ما و مردم دیگر کشورهای عقب مانده فشار وارد می آورد.

۲- با این که ارزش پول در مدت ۲۰ سال اخیر، تقریباً صد درصد تنزل کرده، ولی قیمت تعیین شده نفت در ۱۹۷۰ تازه ۲۰ سنت هم کمتر از ۱۹۴۸ بوده است. این نکته علی رغم تبلیغات رژیم نشان دهنده تسلط روز افزون امپریالیسم بر منابع حیاتی ماست.

اتکاء به درآمد نفت، مطلوب سرمایه داری فزون طلب

۳- اتکاء به نفت به عنوان تنها پایه تولیدی سیستم اقتصادی ایران که

خود مطلوب و مطابق طرح جناح‌های مختلف سرمایه‌داری است، چه از جهت اجبار ما به ازدیاد روزافزون تولید نفت و چه از جهت خالی ماندن بازارهای داخلی و پرکردن آنها از صنایع خارجی، زمینه اصلی وابستگی اقتصادی و سیاسی ما را به سرمایه‌داری جهانی، تشکیل می‌دهد، چرا که جریان رشد طبیعی اقتصاد ملی را به سوی برآوردن نیازهای اقتصادی و از وابستگی به قطب مسلط سوق می‌دهد. نگاهی به ارقام و مواد صادراتی ما در سال ۱۳۴۹ روشنگر بسیاری از حقایق است: صادرات غیرنفتی ما در سال گذشته حدود ۲ میلیارد تومان بوده است. ۵۰۰ میلیون تومان از این رقم را صادرات فرش تشکیل می‌دهد، که بزرگ‌ترین رقم صادرات ما بعد از نفت است و ۴۵۰ میلیون تومان آن را صادرات پنبه و صادرات مواد صنعتی ۴۳۲ میلیون تومان و مواد معدنی ۱۷۲ میلیون تومان بقیه را هم صادرات سنتی چون خشکبار و ریشه‌های نباتی و روده و پوست تشکیل می‌دهد و واردات ما دوازده میلیارد تومان است، یعنی ده میلیارد تومان کسری موازنه داریم، یعنی هر ایرانی در هر روز ۱۱ ریال بابت کسری موازنه ارزهای خارجی می‌پردازد.

### سکوت گورستان یا امنیت؟!

واقعاً شرم‌آور است که در نیمه دوم قرن بیستم، در عصری که انسان به تسخیر کرات پرداخته است و در اعماق جهان به جستجوی جهان‌های ناشناخته است انسان‌های دیگری در فضای تاریک و غبارآلود و نمناک دخمه‌های قالبیابی با دستان خون‌آلودشان دانه‌دانه تارهای حیاتشان را به تارهای قالی پیوند می‌زنند، چرا که سیستم پرداخت‌های خارجی هنگفت ناشی از واردات ۱۲ میلیاردی را فقط باید با تولید نفت جبران کند و دیگر نباید صنایع تولیدی داشته باشد، دیگر نباید از منابع و مواد خامش خودش استفاده کند، دیگر نباید نیروهای کار در خدمت تکامل و ترقی همان اجتماع باشد بلکه باید چنین نیرویی در جهت احتیاجات قطب مسلط به حرکت درآید. اگر آن دخترک خردسال که با پنجه‌های ظریفش تارهای قالی را به هم می‌بافد، اگر آن کارگر خسته‌ای که روزانه ۱۴ ساعت درون معدن به کندن دل سخت سنگ مشغول است و به شدیدترین وضعی استثمار می‌شود، تسلط رژیم استعماری است که در زیر سایه سرنیزه چنین سیستم‌ظالمانه‌ای را به توده‌های مردم زحمتکش تحمیل کرده است که ملت مجبور است بار هزینه دفاعی سرسام‌آوری را بر دوش‌های ناتوان خود حمل کند. واقعاً دردآور است وقتی که هزاران انسان قحطی‌زده سیستانی آواره صدها کیلومتر دور از شهر و دیار خود را به امید قطعه نانی طی می‌کنند و یا بچه‌های خود را به صحرا برای چرا می‌فرستند، آن وقت ۴۲٪ بودجه چنین مملکتی صرف هزینه‌های امنیتی و انتظامی بشود. مرگ بر این امنیت، امنیتی که سکوت گورستان را به یاد می‌آورد و شکنجه‌های دژخیمان روم و دیکتاتوری فراغنه مصر را به یاد می‌آورد. مرگ بر این نیروهای انتظامی که لوله‌های تفنگ آمریکایی‌اش را به سمت ملت گرسنه و کارگران و دهقانان زحمتکش نشانه می‌رود و مرگ بر چنین

سیستمی که بر سر ناموس و شرف ملتی به بهای امیال پست خود و اربابان خونخوارش معامله می‌کند.

زاغه‌ها و حصیرآبادهای جنوب شهر تهران را ببینید. جوادیه و نازی‌آباد را ببینید. مردم فقیر و گرسنه‌ای را که در آن موج می‌زنند، نگاه کنید به مردمی که اگر بیمار شوند محکوم‌اند پشت در بیمارستان‌ها جان بکنند و اگر گرسنه باشند حتی حق ندارند از زباله‌های شهرداری ارتزاق کنند. یک گزارش مستند در اطلاعات ۲۰ بهمن می‌گوید: آنها (خبرنگاران) طی ۷ ساعت انتظار به بیمارانی برخورد کردند که ۵ روز تمام از ساعت ۷ صبح تا دو بعدازظهر به انتظار معاینه پزشک ایستاده و متأسفانه توفیق نیافته بودند. یا آدم‌های بدبختی را دیدند که مدت یک ماه برای بستری کردن بیمار خود به همه وسایل متشبه شده‌اند ولی کم‌ترین نتیجه‌ای

## کلاً در ازای درآمد نفت، ارز در اختیار ما گذاشته نمی‌شود بلکه اعتباری داده می‌شود که به اندازه آن از محصولات صنعتی و نظامی غرب کالا وارد کنیم یا بازپرداخت وام‌ها و سود آنها را بپردازیم. بگذریم از این که از یک طرف نفت را تقریباً مفت می‌دهیم و محصولات مصرفی و کالاهای آنها را به قیمت گزافی خریداری می‌کنیم

نگرفته‌اند... مقابل بیمارستان پهلوی، سینا، امیراعلم و سایر بیمارستان‌های دولتی ایران همه چیز متوقف می‌شود و دیگر شتابی در کار نیست. بیماران در پیاده‌روها، خیابان‌ها، روی پلکان‌ها، در زیر درخت‌ها به انتظار ایستاده و نشسته‌اند. برای تخفیف آلام و رنج‌های انسان در آنجا شتابی دیده نمی‌شود و سرعتی به چشم نمی‌خورد. مرد سرطانی ساعت‌ها انتظار می‌کشد تا شاید غده سهمگین او در زیر اشعه کبالت قرار گیرد و برای تسکین دردهای خود نسخه‌ای بگیرد. آژیر بی‌جهت ضجه می‌کشد. اینجا فریاد آژیر شنیده نمی‌شود. شیون و ضجه آژیر هیچ‌کس را متأثر نمی‌کند. این گفته ما نیست، گفته روزنامه‌ای است که صاحبانش خود از سرسپردگان به نام رژیم استعماری‌اند. در ایران برای هر ۳۳۰۰ نفر یک پزشک داریم در صورتی که در شوروی برای هر ۱۶۰ نفر یک پزشک دارند. یعنی یک ملت نسبت به همسایه‌اش ۲۰ برابر فقیرتر، مریض‌تر و رنجورتر است. ده سال از انقلاب به اصطلاح سفید می‌گذرد. اکنون نتایجش حتی در روزنامه‌های وابسته استعماری هم به خوبی نشان داده شده است.

### فساد سیستماتیک در بار، ریشه فسادهای اجتماعی

این دیگر به خوبی روشن شده است که رژیم به علت ماهیت و ذات ضد مردمی‌ش قادر به اصلاح نابسامانی‌های وضع موجود نخواهد بود، چرا که اصولاً ریشه همه این دردها وجود چنین سیستمی است... به طرف دیگر شهر نگاه کنید، قصرهای باشکوه و عمارت‌های سر به فلک کشیده با آخرین دستگاه‌های تهویه مطبوع و تزیینات، شهوت‌رانی‌های خوک‌صفتانی که از فرط سیری دارند می‌ترکند و چون سگ‌های به گله اجتماع زده‌اند. کباب‌های آنان، محافل شبانه آنها یا دفترهای کار آنها احتیاج به زنان و دخترانی دارد که طعمه شهوت‌رانی‌های آنها شوند. آنها نه تنها دلالت سرمایه‌داری در غارت مردم هستند، بلکه خود عواملی هستند در صدور فرهنگ استعماری، در صدور فساد و تباهی غرب به شرق در حاکمیت فرهنگ استعماری چرا که همان طور که گفتیم استعمار اقتصادی تا به حدی می‌رسد که دیگر بدون استعمار فرهنگی نمی‌توان از آن جلوتر رفت. بدین جهت است که مطبوعات ما، رادیو و

تلویزیون‌های ما همگی تحت برنامه‌هایی که مجریان آنها در کانونهای تعلیماتی امپریالیسم و صهیونیسم جهانی دوره دیده‌اند، اداره می‌شود. برنامه‌هایی که تاکنون در این جهت در ایران اجرا شده است، وحشتناک است. نگاهی به مجلات هفتگی و برنامه‌های تلویزیونی روشنگر عمیق برنامه‌ای است که در جهت فساد اخلاق جوانان ما و کشاندن زنان و دختران ما به فحشا و دامن‌زدن و تهییج بی‌حد و حصر غرایز جنسی و شهوی و خلاصه نابودکردن فرهنگ و اخلاق و نوامیس ملی ما، چرا که اگر ملتی فرهنگ اصیل اجتماعی و معیارهای صحیح اخلاقی، مورد تهاجم و آنگاه نابودی قرار گرفت، شخصیت ملی خود را در مقابل مهاجم خواهد باخت (۳)

#### علل وابستگی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی

۴ - کلاً در ازای درآمد نفت، ارز در اختیار ما گذاشته نمی‌شود بلکه اعتباری داده می‌شود که به اندازه آن از محصولات صنعتی و نظامی غرب کالا وارد کنیم یا بازپرداخت وام‌ها و سود آنها را بپردازیم. بگذریم از این که از یک طرف نفت را تقریباً مفت می‌دهیم و محصولات مصرفی و کالاهای آنها را به قیمت گزافی خریداری می‌کنیم. اما خرید سلاح‌های جنگی، تانک‌ها و هلیکوپترها و هواپیماهای نظامی ساخت کارخانجات نظامی آمریکا خود علتی می‌شود برای این که نه تنها تمام درآمد به جیب سرمایه‌داران صنعتی و نظامی غرب ریخته شود، بلکه همه ساله مقدار گزافی قرض با بهره‌های سرسام آور گرفته می‌شود تا تعادل پرداخت‌ها برقرار شود. و این مسیر که به طور تصاعدی حرکت می‌کند همچنان وابستگی اقتصادی را نیز به طور تصاعدی بالا می‌برد. ارتش چندصد هزار نفری و نیروهای امنیتی و پلیس که خود حافظ منافع استعماری امپریالیسم آمریکا و سرمایه‌داری اروپا، به ویژه منافع نفتی آنان در منطقه‌اند، نه تنها به بهای مالیات‌های کمر شکن ملت تغذیه می‌شود، تعلیمات می‌بینند و تسلیح می‌شود تا در آخر تفنگش را به سمت سینه ملت نشانه برود، بلکه سلاح‌های سنگین، تانک‌ها، هلیکوپترها و هواپیماهای نظامی و مخارج ۱۰ هزار مستشار نظامی آمریکایی و اسرائیلی که وظیفه دارند ارتش را در جهت سرکوبی نیروهای ملی و انقلابی در هر حرکت احتمالی آینده سازمان دهند، کلاً قید و بندی بدست ملت گذاشته است که کشور را روز به روز به سمت بندگی اقتصادی و سیاسی و فرهنگی پیش می‌برد. فقط ۴۰۰۰ خانواده آلمانی در ایران زندگی می‌کنند که برای همیشه در ایران ماندگار شده‌اند و حدود ۵۰۰۰ نفر متخصص غیرنظامی خارجی در ایران هستند، حداقل حقوق پرداختی به این افراد از حدود ۷۰۰۰۰ ریال کمتر نیست. سی میلیون نفر ستم کشیده این بار و فشار را تحمل می‌کنند.

در این قسمت مختصراً دیدیم که تجاوز و تهاجم برای سرمایه‌داری امروز پایان و انتهای ندارد. هر روز چون گول گرسنه‌ای طعمه جدیدتری می‌طلبد و این جهان‌خواری ضرورتی است که تضاد اصلی سرمایه‌داری آن

را ایجاد می‌کند. تضادی که امروز از صحنه کشوری به صحنه جهانی انتقال یافته، به صحنه‌ای که در طرف مقابل آن توده‌های وسیع مردم آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین قرار دارند که ضرورتاً برای آزادی خود از قید هرگونه سلطه‌ای دست به سلاح برده‌اند و چنین ضرورت متقابل است که برای او نه راه گریز می‌گذارد و نه گزیری.

ب - هیچ رابطه جوانمردانه‌ای بین خلق‌ها و امپریالیسم موجود نیست... از کجا شروع کنیم؟ از کشتار وحشیانه یک میلیون انسان الجزایری به دست سربازان استعماری ارتش فرانسه یا از بمباران بی‌رحمانه ملت قهرمان ویتنام، از کشتار هزاران هزار کودک و زن ویتنامی، لائوسی و کامبوجی بگوئیم یا خاطره

درناک مای لای را به یاد آوریم؟ یا از شکنجه‌گاه‌های نوع آمریکایی و زندان‌های قفس ببر ویتنام جنوبی ذکر کنیم؟ قتل عام یک میلیون انسان بی‌گناه در اندونزی به دست مزدوران امپریالیسم را به یاد آوریم یا از کشتار وحشیانه دیربازین به دست صهیونیست‌ها؟ از قتل عام ۳۰ تیر و ۱۰ هزار کشته ۱۵ خرداد (۴) سخن بگوئیم یا از شهدای سیاه‌کل؟ از اعدام‌های دسته جمعی یاد کنیم یا از شکنجه‌های سازمان امنیت؟... از کدام یک بگوئیم؟ همین قدر می‌دانم که ۵/۱ میلیارد انسان رنج‌دیده امروز در زیر فشار سرنیزه مال و جان و ناموس و شرفشان مورد تهاجم و غارت امپریالیسم قرار گرفته است. هیچ صلح و دوستی بین توده‌های مردم ستمدیده جهان و امپریالیسم موجود نیست. چون اصولاً این تجاوزکاران سرمایه‌داری بودند که اول بار به ملل رنج‌دیده عالم اعلان جنگ دادند. اگر امروز توده‌های مردم دست به اسلحه می‌برند، اگر امروز با چنگ و دندان در مقابل تجاوزگر می‌ایستند، به دنبال درک این نکته است که در جریان یک جنگ عادلانه علیه جنگ ظالمانه است که می‌توانند به استقلال و شرف ملی خود دست یابند.

#### عصر آگاهی توده‌ها

ج - امپریالیسم ضربه پذیر است؛ این قانون خلقت و مشی آفرینش است که نیروهای کهنه محکوم به نابودی و نیروهای نو شایسته زندگی و رشد و تکاملند به همین ترتیب قوانین اجتماعی نیز از قوانین طبیعی جدا نیستند. امپریالیسم که خود ذاتاً به علت عوامل به انحطاط کشاننده درونیش، محکوم به نابودی است امروزه در صحنه بین‌المللی با خشم و مقاومت و تهاجم توده‌های مردم آزادیخواهی روبه‌رو شده است که برای آزادی خود دست به سلاح برده‌اند. مبارزات افتخارآمیز خلق قهرمان ویتنام، الجزایر، چین و فلسطین علیه امپریالیسم و صهیونیسم جهانی در رأس آن ایالات متحده و ضرباتی که بر این گرگ پیر در صحنه نبرد جهانی وارد آمده علی‌رغم همه قربانی‌هایی که این ملت‌ها داده‌اند، این بشارت تاریخ را که امپریالیسم و کلیه مرتجعین محکوم به نابودی هستند و این خلق‌ها هستند که حاکم بر سرنوشتشان خواهند شد، برای انسان عصر ما، انسانی که در عصر کيفر آگاهی توده‌ها زندگی می‌کنند به ارمغان آورده است:

وَعَدَالله الذین آمنوا مِنکم و عملوا الصالحات لَيَسْتَخْلِفَنَّهُم فِی الارض

كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُقَدِّمَهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا وَ يُرِيدَ أَنْ نَمُنَ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ (نور: ۵۴ و قصص: ۴)

در گذشته نیز چه بسیار تمدن‌ها و قدرت‌ها بودند که چون در مقابل تکامل ایستادند، در زیر جرخ‌های عظیم حرکت تکاملی جهان نابود شدند. "الْمَ تَرَى كَيْفَ قَعَلْ رَبِّكَ بِعَادِ أَرَمَ ذَاتِ الْعِمَادِ الَّتِي لَمْ يَخْلُقْ مِثْلَهَا فِي الْبِلَادِ وَ تَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ وَ فِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ قَصَبَ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمُرْصَادِ" (فجر: ۱۴-۵)

امروزه وقتی به ویتنام، چین و الجزایر و یا به فلسطین نگاه می‌کنیم می‌بینیم این قانون چگونه تحقق یافته است. خلقی که "دین بین فو" می‌آفریند و پوزه سرمایه‌داری آمریکا را در جنوب شرقی آسیا به خاک می‌مالد، خلقی که دیکتاتوری چیانگ‌کایچک و باتیستا، نمایندگان امپریالیسم آمریکا را به نابودی می‌کشاند و خلقی که طی ۷ سال مبارزه خونین با یک میلیون کشته آزادی و استقلال خود را بدست می‌آورد، یعنی امپراطوری فرانسه را به خاک می‌کشاند و مردمی که نبرد کرامه را به پیروزی می‌رسانند، خلقی که نهضت ظفار را به وجود می‌آورد و نیروهای عظیم استعماری منطقه خلیج را به وحشت می‌اندازد. تحقق چنین پیروزی‌هایی در گوشه و کنار جهان نوید تحقق کامل بشارت تاریخ را برای همه رنجبران جهان به همراه دارد.

دانستیم که شناخت علمی و مستمر دشمن و خود در چهارچوب شرایط میهنی خاص خودمان بود که می‌توانست راهگشای بن بست مبارزه در ایران باشد. از درون چنین تجزیه و تحلیلی است که نتیجه می‌گیریم:

۱- تضاد اصلی جامعه ما عبارت است از تضاد بین منافع توده‌های وسیع مردم محروم از یک طرف و از طرف دیگر منافع سرمایه‌داری کمپرادور (دلال صنعت) به عنوان عاملی که منافع امپریالیسم جهانی و در رأس آن آمریکا را برمی‌آورد.

۲- امپریالیسم جهانی به عنوان یک سیستم واحد، دشمن مشترک توده‌های استثمارشده جهان است.

۳- تنها راه مبارزه علیه سلطه امپریالیسم و حاکمیت سرمایه‌داری کمپرادور عبارت است از مبارزه مسلحانه توده‌ای.

بنابراین این بسیار نادرست است که جهت‌گیری گروه‌های انقلابی مبارز موجود را به سمت مبارزه مسلحانه به عنوان تنها راه پیروزی ناشی از ضرورت عمیق اجتماعی ندانیم و بسیار ناخوانمردانه است که چنین سمت‌گیری را ناشی از احساسات و عواطف تصور کنیم...

"مجاهدین خلق" نیز به عنوان جزئی از جنبش ضد استعماری و ضد امپریالیستی ایران در این مرحله تاریخی با پذیرش ایدئولوژی انقلابی اسلام به مسؤولیت خود از دیدگاه جبر تاریخ و در مدار بالاتری از دیدگاه ایدئولوژی اسلام و وظیفی که آفرینش به عهده انسان آگاه گذاشته است به خوبی آشنا است. "أَنَا عَرْضًا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَيُّنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَاشْفَقْنَ مِنْهَا وَ حَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا" (احزاب: ۷۲)

**تکامل؛ قانون حاکم بر طبیعت و تاریخ**

ما به حرکت جهت دار تاریخ و هدف دار بودن آفرینش و به قانون تکامل به عنوان عام‌ترین قانون حاکم بر طبیعت و اجتماعات ایمان داریم. "أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا إِلَّا

بِالْحَقِّ وَ آجَلٍ مُّسَمًّى وَ إِنْ كَثُرَ مِنْ النَّاسِ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ - أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَ آثَارًا فِي الْأَرْضِ وَ عَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا... (روم: ۹-۸)

"وَ مَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَ الْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا إِلَّا عِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ" (انبیاء: ۱۶) آسمان‌ها و زمین و آنچه در آن است بدون هدف نیافریدیم.

ما معتقدیم موضع‌گیری انسان به عنوان جزئی از این هستی در مقابل قانون تکامل، دارای اصالت است. چرا که معتقدیم که ویژگی انسان در اختیار و اراده اوست و این اوست که در مقابل ندای آفرینش که او را به سمت خود می‌خواند، آزاد است که هر پاسخی بدهد:

"يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَ تَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (انفال: ۲۷) وَ لَقَدْ كَانُوا عَاهِدُوا لِلَّهِ مِنْ قَبْلِ لَا يُؤْتُونَ الْأَذْبَارَ وَ كَانَ عَهْدَ اللَّهِ مَسْئُولًا" (احزاب: ۱۶)

انسان آگاه امروز همان ادامه‌دهنده راه انبیاست. آن‌ها مبشر آزادی انسان‌های محروم از قید و بندهای ارتجاعی و بندگی دیکتاتورهای زمان (طاغوت) بوده‌اند.

"إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ - فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ اطِيعُوا ... - وَلَا تَطْغَبُوا أَمْرًا لِّلْمُفْسِدِينَ الَّذِينَ يَفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَ لَا يُصْلِحُونَ" (سوره شعراء آیه ۱۴۳ به بعد)

و در مقابل آنان مسرفین و کامرانان بوده‌اند (به تعبیر قرآن) که ایستادگی می‌کردند و آنها را سرزنش می‌کردند که جز مردم تهیدست و طبقات پایین اجتماع و به تعبیر خودشان "فرومایکان"، پشتیبانی و یابوری ندارند.

"فَقَالَ الْمَلَأَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا تَرِيكَ إِلَّا بَشَرًا مِثْلَنَا وَ مَا تَرِيكَ أَتَيْكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادْنَا بِأَدْبَارِهِمْ الرُّأْيَى وَ مَا تَرِي لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ بَلْ نَنْظُرُكُمْ كَذِبِينَ" (هود: ۲۷) پس صاحبان زور و زر یعنی کسانی که در میان آن قوم نسبت به حقایق خصومت می‌ورزیدند، گفتند که (ای نوح) اولاً که بشری نظیر ما هستی و دیگر این که جز عده‌ای بی سروبا و بی چیز تو را پیروی نمی‌کنند بنابراین نه تنها هیچ برتری بر ما نداری، بلکه ما حتی فکر می‌کنیم تو دروغ‌گویی پیش نیستی.

"فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ اطِيعُوا قَوْلَ أَرْذَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ" (شعراء: ۱۰۹-۱۱۰) اگر در آن دوران پیمبران این رسالت را برعهده داشتند، امروز هر انسان آگاهی چنین رسالتی برعهده‌اش واگذار شده است.

"وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا" (بقره: ۱۴۳) و چنین بود که شما را به صورت ملتی متعادل هدایت کردیم تا شاهد و نمونه‌ای بر مردم دیگر باشید و پیامبر نیز برای شما شاهد و نمونه‌ای است. چرا که در دورانی که در اذهان مردم شعور به حق و قانون و عدل و مسؤولیت نسبت به آنها، چنان که باید نبود و انگیزندگی نداشت و بیدار و فعال نبود، این ربوبیت گاه‌گاہ و پس از اذار پیمبران از کمینگاه طبیعت رخ می‌نمود و چون مردم قابل ملاحظه‌ای در شناخت حقوق و حدود پیش رفتند و احساس مسؤولیت در وجدان آنها بیدار شد و انسان خود سازنده و تسخیرکننده قسمتی از قوای طبیعت گردید، قدرت ربوبی نیز همگام تکامل کمینگاه بالاتری یافت که آن وجدان حساس و بیدار آنها است. همان که گاه‌گاہ چهره آرام و مهربان خلقت را برمی‌گرداند و خشمگین و طوفانی می‌گرداند. یا از ضمیر آرام حساس

مردان اصلاح طلب و پاک سرشت، قهرمانان می سازد تا چون نسیم به وزش در آیند و چون آتشفشان بجوشند و چون رعد بخورشند و سیل راه بیندازند تا زمین و فضا را پاک کنند و سرهای جباران را به زیر آورند و موانع را بردارند و راه خیر و صلاح و رشد را باز کنند و بندها را بگشایند در میان همان شب دیجور طغیان که استعدادها خفته و پوشیده می شود، دل هایی می تپد و ناله هایی از رنج و آرزو و امید و حرمان بلند است. همه اینها مقدمات و وسایل بروز ربوبیت و قهر و رحمت آن است، تا نفوس را با هم آشنا و همدرد سازد و ارواحی که از بدن ها جدا شده اند در افق اعلاء به هم پیوندند و از ناله های نهانی و آهسته، فریاد و آتش برآید و از قطرات خونی که در راه خیر و حق ریخته شده نهرهای حیات جاری شده و از اشک هایی که بر دامن زمین ریخته، شکوفه های زندگی بروید. چنان که از درون ظلمت فجر رخ می نماید و در پی سوز زمستان نسیم بهاری می وزد و پس از خفتگی و پژمردگی بوته ها، سبزه ها شکوفان می شوند. "این ربک لباً لمرصاد". همین ربوبیت مضاف است که به فرمان رب مطلق، در سر فصل های تاریخ انسان از کمینگاه ضمیر میبران و پیروان شایسته آنان سر برآورد و مردان شکست ناپذیری چون ابراهیم و... برانگیخت و قوایی از طبیعت را به اراده آنها درآورد تا مردم را از فرمانبری غیر خدا برهاند و گردنکشان را از میان بردارند. همین ربوبیت در آغاز فصل نهایی که سرفصل کمال عقلی و وجدانی انسان است از ضمیر و وجدان پیامبر آخرین به صورت آیات حکمت نمایان گردید تا عقول و نفوس پاک را با ایمان و تقوا نیرو بخشد و به خدمت به خلق و اشاعه عدل و از میان برداشتن شرک و طغیان، وادارد. ربوبیتی که از میان سنگستان و مردم سنگدل و ستم پیشه عرب و دنیای پر از فساد و طغیان و در میان آه و ناله مردم و توده های بی پناه، در قلب و چهره و رفتار و زبان محمد (ص) تجلی کرد... هم سایه رحمت و شعاع پرورش و هم تازیانه و صاعقه عذابی بود چون عذاب عاد و ثمود که سنگرها و تکیه گاه های ظلم و فشار را در هم ریخت. نه فقط در سرزمین محدودی مانند سرزمین عاد و ثمود، بلکه تا هر جا که بانگ تکبیر و تلاوت آیاتش پیش رفت و پیش برود و تا آنجا که پیروانش مانند رهبر خود تازیانه عذاب بر سر ستمکاران و همدرد و همدرد دردمندان و مشتری بازار ناکامان باشند و هر چه دارند با اخلاص در این راه بدهند (نقل از تفسیر فجر از پرتوی از قرآن). و ما مصمم هستیم که به ندایی که ما را به خود می خواند، ندایی که از درون وجدانمان، از درون اجتماعمان، از درون حرکت تکاملی جهان می شنویم، پاسخ مثبت گوئیم: "وَمَا لَكُمْ لَا تَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا" (نساء: ۷۵)

#### ندای خدا، ندای تاریخ

این همان ندایی است که موسی را به درخت آتش خواند و ابراهیم را در مقابل نمرود برانگیخت. به گوش حبیب این مظاهر و مسلم این عقیل رسید. آتش به جان زهیر ابن قین و حرین ریاحی زد. این همان ندایی است که حسین ابن علی (ع) آن انقلابی بزرگ تاریخ را از مدینه به مکه کشاند، اما شب عرفه را در مکه به صبح نمی رساند تا به کربلا یعنی آن کعبه حقیقی اش بپیوندد. این همان ندایی است که همه انقلابیون تاریخ شنیدند و چه نیکو به آن پاسخ دادند. این ندا، ندای خداست، ندای آفرینش و ندای تاریخ است که ما را به خود می خواند.

"يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ

وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَٰهٌ تَحْسُرُونَ" (انفال: ۲۴)

سازمان مجاهدین خلق ایران با پذیرش ایدئولوژی شهادت، وظیفه خود می داند که در نوک پیکان مبارزه مسلحانه ضدامپریالیستی، راهگشای خلق به سمت جامعه ای توحیدی، آزاد، بی طبقات باشد و به خوبی می داند راه طولانی پرییج و خم و دشواری در پیش خواهد داشت. ما پذیرفته ایم که تنها با فدا کردن جان خود می توانیم در این راه قدم برداریم. ما دانسته ایم که نهضت، قربانی های زیادی می طلبد و خود ما آماده ایم که از اولین قربانیان آن باشیم. خلق تاکنون فرزندان رشیدی در دامن خود پروراند است:

#### فرزندان رشید خلق

ما دیروز ستارخان ها، کوچک خان ها، مصدق ها، نواب ها و روزبه ها داشتیم، امروز در سطح وسیع تری بویان ها، صفایی ها، رضایی ها، کتیرایی ها و ترگل ها را داریم. امروز چه بسیار انقلابیونی هستند که به دست عناصر خونخوار رژیم، در دادگاه های در بسته محکوم و مخفیانه اعدام می شوند. پنج مرد دلیر همایون کتیرایی، ناصر کریمی، هوشنگ ترگل، بهرام طاهرزاده و ناصر مدنی، از اعضای گروه آرمان خلق در مهرماه اعدام شدند. بهروز دهقانی در زیر شکنجه کشته شد. در یک سال اخیر بیش از ۶۰ نفر از اعضای سازمان های انقلابی بدست دژخیمان سازمان امنیت، پلیس و یا به حکم دادگاه های فرمایشی نظامی کشته شده اند و بیش از ۱۵۰۰ تن در زندان ها و یا در زیر شکنجه های خونین سازمان امنیت قرار گرفته اند. خلق قهرمان ما از دادن این قربانی ها بی می ندارد، چرا که از هر قطره خونی که ریخته شود در دامن مادر خلق، لاله سرخی خواهد روید.

برادران ای توده های خلق ما، اگر امروز برادران و فرزندان شما بدست دست نشاندگان امپریالیسم و در رأس آن امپریالیسم آمریکا، در زیر رگبار گلوله ها جان می سپارند، اگر هزاران فرزند انقلابی خلق در زیر شلاق های رژیم استعماری به فریاد درآمده اند، یا زندان ها انباشته از جوانان انقلابی شده است، اگر شرایط موجود بسیار غم افزاست، اما ما به شما نوید می دهیم ما به شما طلوع فجر را در شب تاری مژده می دهیم، ما طلوع صبح را می بینیم، ما دعاغه کشتی پیروزی را در افق اقیانوس توده ها می بینیم، ما پیروزی خلق را می بینیم، ما پیروزی توحید را می بینیم...

#### "اليس الصبح يقرب"

#### آیا صبح نزدیک نیست؟!

(هود: ۸۱)

#### پی نوشت ها:

۱- نهضت ملی از سال ۱۳۲۸ شروع شد و پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نهضت مقاومت ملی شکل گرفت و بعدها در سال های ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۲ جبهه ملی دوم و نهضت آزادی ایران فعالیت می کردند.

۲- از آنجا که توده های ایران، منطقه و جهان به یک هویت کیفی و کمی تبدیل شده اند، لذا در شرایط کنونی راهبرد دیگری هم هست که در چشم انداز ایران مطرح شده است و آن این که، رابطه "یا نبرد یا اسارت" به "نه نبرد و نه اسارت" بلکه "مشارکت توده ها" تبدیل می شود. به خصوص که اربابان نفت و اسلحه و سرکوب آن هم به شیوه جنگ الکترونیک شمار "یا نبرد یا اسارت" را می دهند.

۳- ناصر صادق و یاران وی عامل اصلی ناهنجاری های فرهنگی - اجتماعی را فساد سیستماتیک حمایت شده از جانب دربار و نیروهای وابسته به آن می دانستند.

۴- این ارقام صحیح نیست، ولی ارقامی بود که بر سر زبان ها بود.

\* عنوان ها و پی نوشت ها از چشم انداز ایران است.